

واکاوی معنای «تُبْلِیَ السَّرَائِرُ» بر اساس آیه ۹ سوره طارق با

تکیه بر آراء مفسران

حبیب الله حلیمی جلودار

دانشیار علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران، بابل، ایران

فاطمه فضلیان

دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه خواهران حضرت خدیجه، بابل، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۰۵)

چکیده

قرآن کریم برای روز قیامت نام‌های مختلفی برمی‌شمارد، از جمله آن نام‌ها، «یَوْمَ تُبْلِیَ السَّرَائِرُ» است؛ یعنی «روزی که اسرار نهان انسان آشکار می‌شود». سؤالی که این مقاله بدان پاسخ داده است اینکه آیا اسرار نهان انسان‌ها برای همه خلایق آشکار می‌شود یا صرفاً برای خود انسان واضح می‌گردد؟ با مطالعه و بررسی تفاسیر و کتب مربوط، دو نظر جلب توجه نموده است یکی اینکه اسرار نهان هر انسانی برای تمام انسان‌ها علنی می‌شود تا اگر از خویان است یا از بدن، همه بفهمند و از این طریق بر پاداش یا عذاب او افزوده گردد؛ دیگر اینکه صرفاً برای خود انسان آشکار می‌گردد تا از یک طرف قدرت پنهان کردن اعمال را از او سلب نماید و از طرف دیگر آنچه را فراموش کرده است به حساب آورد. البته جدای از این که کدام معنا درست باشد می‌تواند در دنیا، هشداری برای انسان باشد که توان پنهان‌سازی اعمال را ندارد! نظر مختار با تکیه بر سیاق، روایات تفسیری و آراء مفسران و با تأکید بر رحمت و ستاریت الهی این است که اسرار انسان، فقط برای خود انسان و تمام کسانی که از او و یا به او، خوبی یا بدی داشته‌اند آشکار می‌گردد.

واژگان کلیدی: واکاوی، تبلی السرائر، گواهان، تجسم، ستاریت.

- E-mail: jloudar@umz.ac.ir (نویسنده مسئول)

- E-mail: jaafar6464@yahoo.com

مقدمه

رفتارها و کردارهای آدمی در این عالم بر اساس لطف خدای رحمان به گونه‌ای است که حقایق آن‌ها بر همگان پوشیده است اما در جهان آخرت که مالکیت مطلق آن از آن خدای مَنان است حقائق به صورت اصلی خود آشکار خواهند شد همان‌گونه که قرآن کریم آن را «یوم تبلی السرائر» (الطارق/۹) نامید آن زمان که پرده از اعمال انسان می‌افتد و حجاب‌ها کنار می‌رود واقعیات رخ می‌نماید و آنجاست که انسان تازه می‌تواند حقائق را درک کند. (ق/۲۲) روزی که هر کس، آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند و آرزو می‌کند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد. (آل عمران/۳۰) آن روز که به او خطاب می‌شود: تو از این صحنه (و دادگاه بزرگ) غافل بودی و ما پرده را از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملاً تیزبین است! (ق/۲۲) برای پیشگیری از خیالات واهی برخی انسان‌ها، خداوند، آن جهان را به گونه‌ای قرار داد که اعضاء و جوارحش علیه او شهادت می‌دهند. (فصلت/۲۰) و زمانی که انسان به تفکر پیرامون این مفاهیم عظیم می‌نشیند حس پرسشگری او که یکی از افعال چندگانه روح و روان انسان را تشکیل می‌دهد،^۳ برانگیخته می‌شود. حسی که آدمی را گامی به سوی تکامل سوق می‌دهد.

از سوی دیگر خداوند رحمت را بر خویش واجب کرده است (انعام/۵۴) و همیشه بر ستّاریت و غفاریت خود تأکید می‌کند^۴ و انسان‌ها را به عدم یأس از رحمت خود دعوت می‌نماید. (یوسف/۸۷) این خدای رحمان، رحیم، غفور و ودود چگونه است که در دنیای دیگر انسان را جلوی چشم همگان رسوای عام و خاص می‌نماید؟ آیا اقتضای دنیای دیگر این گونه است یا این که قرارداد خداوند با انسان این طور بود؟ یا نه برداشت ما انسان‌ها این قدر سخت گیرانه است؟

با احصاء نگارندگان، کتاب، مقاله یا نگارش مستقلی در این موضوع به دست نیامد اما مفسران در لابلای تفاسیر با نگاه تفسیری و برخی نیز با نگاه روایی بدان پرداخته‌اند البته کتاب‌ها و مقالات متعددی در زمینه قیامت و نامه‌ای آن به نگارش در آمده است و

مباحثی چون تجسم و شاهدان اعمال در برخی نوشته‌ها ملاحظه شده است ولی در این موضوع خاص، نوشته‌ای یافت نشد لذا بر آن شدید تا به طور مستقل با واکاوی معنای تبلی السرایر به این سؤال پاسخ دهیم که آیا بعد از مرگ، اسرار نهان انسان‌ها برای همه خلایق آشکار می‌شود یا صرفاً برای خود انسان واضح می‌گردد؟ فرضیه ما با توجه به رحمانیت و ستاریت خدای مَنان این است که اعمال انسان جز برای خودش و برای کسانی که آن اعمال به آن‌ها مربوط است آشکار نمی‌گردد.

۱-۱. مفهوم شناسی و مبانی مرتبط

واژه «تبلی»: برخی لغت شناسان می‌گویند: بلاء به معنای اختیار کردن می‌باشد و اینکه فرد حقیقت آنچه را که عمل کرده می‌شناسد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۱۴۵). کلمه «بلاء» که فعل «تبلی» مشتق از آن است به معنای آزمایش و نیز شناسایی و کشف نهانی‌ها است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۶) برخی دیگر نیز تبلی را به معنای اختبار و کشف می‌دانند و معتقدند مراد ظاهر شدن سرایر و شناختن مکنونات است که بین پاکی و ناپاکی ضمیر انسان و مخفیات اعمالش تمیز و تشخیص داده شود؛ و «ابتلی» به معنای امتحان به کار رفته است. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۸، ص ۳۴۰) البته تبلی را به معنای ایجاد تحول، تقلب و تحویل برای به دست آوردن نتیجه مورد نظر نیز معنا کرده‌اند. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۳۵) در نتیجه معنای آیه این است که رجوع در روزی است که آنچه از عقاید و آثار اعمال که انسان‌ها پنهان کرده بودند، چه خیرش و چه شرش به مورد آزمایش و شناسایی قرار می‌گیرد و خدای سبحان، اعمال و عقاید آن‌ها را در بوتۀ زرگری خود می‌آزماید تا معلوم شود کدام صالح و کدام فاسد بوده و کدام خالص و کدام دارای ناخالصی است و بر طبق آن صاحبش را جزا می‌دهد (اعراف/۴۰ و ۴۱، یونس/۱۳).

واژه «السرایر»: سرایر به معنای آنچه در قلب‌ها و عقیده‌ها و نیت‌ها می‌گذرد و آنچه از اعمال که مخفی است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۲۹) **الْإِسْرَارُ**؛ آنچه خلاف الإعلان می‌باشد قال تعالی: **سِرًّا وَ عَلَانِيَةً** (ابراهیم/۳۱) و قال تعالی: **وَيَعْلَمُ مَا تُسْرُونَ وَ مَا**

تُعْلِنُونَ (تغابن/۴) شادی مکتوم در قلب را سرور گفته‌اند، در این صورت معنای سر در آن ملحوظ است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۰۴)

«طارق»: مراد از طارق در این نوشتار هشتاد و ششمین سوره قرآن کریم است. این سوره نیز همچون بسیاری دیگر از سوره‌های جزء آخر قرآن، با سوگندهایی آغاز می‌شود، سوگندهایی که مقدمه‌ای است برای بیان یک واقعیت بزرگ. این سوره در مکه نازل شده و دارای ۱۷ آیه است.

۲. گواهان اعمال

موضوع گواهان اعمال بحث ثابت شده و غیرقابل انکار در مباحث قیامت می‌باشد که خداوند در روز قیامت شاهدانی را احضار کرده تا بر اعمال انسان‌ها گواهی دهند؛ «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ اِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (توبه/۱۰۵) بگو عمل کنید که خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی دانای نهان و آشکار، بازگردانده می‌شوید و شما را به آنچه عمل کردید خبر می‌دهد.

در این آیه به سه گواه اعمال انسان؛ خداوند، پیامبر اکرم (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ) و مؤمنان اشاره شده است؛ همان‌گونه که در روایات فراوانی (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵، ص ۱۰۱) نیز آمده است، مراد از مؤمنان تمام افراد باایمان نیستند، بلکه گروه خاصی از آنها است که به فرمان خدا از اسرار غیب آگاه‌اند یعنی به جانشینان راستین پیامبر (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ) در عرصه قیامت اشاره دارد. با اینکه این مقاله در صدد بیان و تشریح موضوع شاهدان اعمال نیست ولی به خاطر ارتباطی که با مسئله اصلی مقاله دارد در حد ضرورت به آن خواهیم پرداخت.

شهادت در لغت به معنای سخنی که از روی علم صادر و با مشاهده و بصیرت و یا دیدن با حواس و چشم حاصل شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۶۵). و در اصطلاح عبارت است از انتقال حقیقت امری از ناحیه فردی واجد شرایط که آن را دیده و شنیده

به قاضی محکمه، علیه یکی از اصحاب دعوی و به نفع دیگری با ادای سوگند و التزام به راست گویی (مدنی، ۱۳۸۸، ص ۳۵۵).

با تبیین معنای لغوی و اصطلاحی شهادت شاید این سؤال در ذهن مخاطب شکل گیرد که آیا شهادت گواهان در عرصه قیامت از سنخ شهادت دنیای بشری است؟ در پاسخ این سؤال باید گفت که مقربین و مُخْلِصین که آن‌ها گواهان اعمال در قیامت‌اند از زمان و مکان خارج‌اند و به مقام تجرّد رسیده‌اند و شیطان به آن‌ها دسترسی ندارد و حساب و کتاب و عالم عرض و حضور را ندارند و سیطره علمیه و واقعیه نسبت به عالم امکان و جهان آفرینش پیدا می‌کنند، این مسائل به‌خوبی و خودبه‌خود پاسخ را روشن می‌کند. یعنی افرادی می‌توانند شهادت دهند که از مضیق جهات و عالم طبع و گرایش به ماده و حبّ دنیا که نفس را محجوب می‌کند و مدرکات او را منحصر به ادراکاتی می‌کند که از راه حواسّ ظاهر، انسان با خارج ارتباط پیدا می‌کند، گذشته باشند و از این سطوح عبور نموده باشند و حواسّ آن‌ها دیگر منحصر به حواسّ خمسّه ظاهره نباشد؛ حسّ ششم آن‌ها زنده شده باشد و یا چشم قلب آن‌ها باز شده و روح آن‌ها سیطره پیدا کرده باشد؛ و به عبارت دیگر موجوداتی باشند که در عین حال که در دنیا زندگی می‌کنند و یا از دنیا رفته‌اند، احاطه علمیه نسبت به همه موجودات داشته باشند؛ و اگر این‌طور نباشد این‌گونه شهادت برای آنان میسر نمی‌باشد (حسینی تهرانی، ۱۳۸۱ ش، ج ۷، ص ۹۶).

۱-۲. مراحل و شیوه شهادت گواهان

شهادت دو مرحله دارد: مرحله تحمل و مرحله اداء؛ تحمل شهادت یعنی شخص صحنه‌ای را مشاهده می‌کند و سپس ضبط می‌کند تا بعداً نسبت به آن صحنه، شهادت دهد. اداء شهادت یعنی حضور در دادگاه برای شهادت دادن چیزی که قبلاً آن‌ها مشاهده کرده است (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۴۱، ص ۱۸۳-۱۸۰). پس گواهان اعمال انسان در قیامت شاهدان فعل او در دنیا نیز بوده‌اند و به تعبیری به نسبت اعمال انجام شده افراد، مرحله تحمل را گذراندند و مرحله اداء را پیش رو دارند، لذا پیامبران و شهداء بر

یک یک از افراد اَمّت گواهی می دهند «وَّ یَوْمَ نَبْعَثُ فِی کُلِّ أُمَّةٍ شَهِیداً عَلَیْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ» (نحل/۸۹).

معلوم می شود که شاهدان اعمال با یکایک آنها از حاضرین و غائبین، از موجودین و معدومین، در خلوت و جلوت، بیداری و خواب، حرکت و سکون، کسب و کار، بیرون خانه و درون آن در هر لحظه با انسانها هستند. پس گواهان عمل کسانی هستند که فراتر از مرز محسوسات و قوانین عالم ماده می باشند و ارتباط آنها با عمل افراد، ارتباط صرفاً ظاهری نیست بلکه از اعمال انسان با تمام خصوصیات از آن آگاه می باشند؛ آنجا که معصوم (عَلَيْهِ السَّلَام) با دیدن جمع کثیری از حجاج به باطن فعل آنها اشاره دارد و می فرماید: «ما اقل الحجيج و اکثر الضجيج» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۶، ص ۲۶۱).

با ذکر مطالب فوق شاید بتوان به این جمع بندی رسید که گواهان اعمال، در همان لحظه که شاهد ظاهر عمل هستند عارف به سرایر عمل نیز می باشند لذا در روز قیامت، پرده گشایی و کشف جدیدی از سوی خداوند رحمان صورت نمی گیرد و در «یوم تبلی السرائر» این گواهان نیز ناظر و حاضر می باشند و یکی از نتایج و ثمرهای را که برای این حضور در تفاسیر مختلف بر شمرده اند (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۷۱، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۶، ص ۳۷۰)؛ عذاب برای کفار و پاداش برای مؤمنین می باشد.

۳. تجسم اعمال

تجسم اعمال انسان که در قیامت، حتمی به نظر می آید و به موضوع آشکار شدن اعمال انسان در قیامت «یوم تبلی السرائر» دلالت دارد موافقان و مخالفانی دارد که به هر قسم از آن پرداخته خواهد شد:

۳-۱. موافقان تجسم اعمال

تجسم عمل آدمی خود یک نمونه بارز از آشکار شدن درون و نهفته های انسان در عرصه قیامت می باشد هر صفت که در دنیا بر کسی غالب شود به سبب بسیاری افعال و اعمالی است که بر صاحب آن صفت چیره دارد و در روز قیامت صاحبش به صورتی

مناسب آن صفت محشور می‌شود. «یحشر الناس علی صور نیاتهم یحشر بعض الناس علی صورة یحسن عندها القردة و الخنازیر» محشور می‌شوند مردم بر نیت‌ها و باطن خودشان و محشور می‌شوند بر صورت‌هایی که صورت میمون و خوک‌ها نسبت به آن‌ها نیکوست؛ و یا اینکه خداوند سبحان می‌فرماید «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا» (نساء/۱۰) کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به‌زودی به آتش سوزانی می‌سوزند.

۳-۱-۱. نظریات مختلف موافقان در باب تجسم اعمال

موافقان می‌گویند: در قیامت نه تنها انسان نتیجه کارهای خوب و بد خود را که همان بهشت و جهنم است، می‌بیند، بلکه خود عمل را چه خوب و چه بد، خواهد دید؛ در این باب، مفسرین، حکما و علمای تجربی با توجه به آیات الهی و دیگر علائم، نظریاتی را بیان کرده‌اند که به توضیح هر یک می‌پردازیم:

۳-۱-۱-۱. **از نظر قرآن:** روزی که هر کسی آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر می‌بیند؛ و دوست می‌دارد، میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی ایجاد باشد. (آل عمران/۳۰) این آیه اشاره به حضور اعمال نیک و بد در روز رستاخیز است؛ و می‌گوید: همه افراد بدون استثناء هر عملی را انجام داده‌اند، از نیک و بد در آن روز خواهند یافت با این تفاوت که از مشاهده اعمال نیک خوشحال می‌شوند و از مشاهده اعمال بد آن‌چنان وحشت می‌کنند که آرزو می‌نمایند از آن‌ها فاصله بگیرند و این همان تجسم عمل است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۷۷).

«يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ» (لقمان/۱۶) فرزندم! (هر کاری که از انسان سرزند) هرچند به انداز سنگینی خردلی در میان صخره‌ها و یا آسمان‌ها و زمین باشد، خداوند آن را در روز رستاخیز می‌آورد. ظاهر این آیه نیز این است که روز قیامت خداوند خود عمل انسان را

می آورد و آن را ملاک پاداش و یا کیفر قرار می دهد (تا هیچ عذر و بهانه و انکاری برای احدی از انسانها باقی نماند).

«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال/۷ و ۸) هر کسی به اندازه سنگینی ذره های کار نیک انجام دهد، آن را می بیند و هر کسی به اندازه سنگینی ذره های کار بد انجام دهد، آن را می بیند. برخی بر این اعتقادند که راز دیدن، دیدن خود عمل است؛ و اگر گفته شود مقصود از دیدن، این است که پاداش و کیفر را می بیند، آیه را برخلاف ظاهر آن حمل کرده اند (سبحانی، ۱۳۸۴ ش، ج ۹، ص ۴۱۱).

۳-۱-۲. **از نظر فلسفی:** برخی از طرفداران دیدگاه اثباتی - که به نظر ما و به گواهی صاحب نظری چون (الهی قمشه ای، ۱۳۹۳، ص ۳۱۴) اکثر محققان را تشکیل می دهد - به تبیین فلسفی و عرفانی موضوع پرداخته و برداشت خود را علاوه بر آیات و روایات، مطابق برهان عقلی و موافق مشاهدات ارباب کشف و شهود قلمداد کرده اند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۱۶۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۲).

پیروان حکمت متعالیه عقیده دارند که اعمال خارجی و حرکات و سکانات عارض بر بدن، اگرچه عرض است و در وجودش مستقل نیست و وابسته به موضوع و قائم به بدن است، لکن هر عملی که از انسان صادر می شود، اثری در روح می گذارد و حالت و کیفیتی در آن پدید می آورد که در صورت تکرار و تداوم آن حالت و اثر راسخ شده که از آن تعبیر به «ملکه» می شود و ملکات قائم به نفس، ملکه عین گوهر نفس می شود و در جهان دیگر به صور گوناگون ظاهر و تجسم می شوند.

تا آنجا که حکیم ملاصدرا در اثبات مدعای خویش به مسخه که قرار بود در قوم موسی (علیه السلام) انجام شود متمسک می شود و می نویسد: به واسطه رسوخ نفس آن جماعت در آن صفات بدن نیز متحول بدان می شد.

ملاصدرا در رساله سه اصل خود می نویسد: اکنون چون جاهل به علم نفس را گمان آن است که این چشم و گوش و حواس دنیا امر او را ثابت است و عاریتی نیست و خود را بدین چشم و گوش بینا و شنوا می داند و در روز قیامت که روز حقایق است و عاریت ها مرتفع می گردد و چشمی بجهت دیدن آخرت کسب نکرده گمانش آنکه او را

چشمی بوده که کورش کرده‌اند. پس می‌گوید که خدایا «لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا» و ندانسته که او را هرگز چشمی نبوده جز چشم عاریتی و چشم عاریت بکار آخرت نمی‌آید؛ و علم آخرت و کیفیت حشر اجساد را غیر اهل بصیرت و شهود ندانند و ارباب علوم حکمیه رسمیه از کیفیت آن بی‌خبراند تا به ظاهرینان چه رسد.

این نسخ باطن درین امت بسیار است بیننده باید که تماشا کند و چندین قرده و خنازیر و عبده طاغوت در لباس زهد و صلاح و شید و زرق بیند که همه به جهت پیروی شهوت و غضب و گمراهی و متابعت شیطان چگونه از فطرت اصلی برگشته و با بهائم و سباع و شیاطین برابر گشته و بدین صورت‌ها در روز «وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ» مصور و مجسم خواهند گردید بهیات این جانوران بروز خواهند نمود (صدرالدین شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۸).

۳-۱-۱-۳. از نظر علوم طبیعی: در این میان، در دهه‌های اخیر، کسانی نیز به تبیین

مسئله با توجه به دست آورده‌ای علوم طبیعی و علم فیزیک پرداخته‌اند.^۵

توضیح اینکه: «هر تجزیه» یا «ترکیب» شیمیایی، معمولاً یک انرژی می‌گیرد یا یک انرژی آزادی می‌کند، مثلاً هنگامی که هیزم را آتش می‌زنیم کربن موجود در آن با اکسیژن هوا ترکیب می‌گردد و انرژی حرارتی را که در دل خود به هنگام انجام عمل کربن‌گیری طی سالیان دراز در خود ذخیره کرده بود آزاد می‌کند، بدون اینکه چیزی از کربن درخت یا اکسیژن هوا تبدیل به انرژی شده باشد.

همین موضوع در مورد مواد غذایی در بدن ما صادق است، زیرا مواد غذایی در بدن ما با اکسیژن ترکیب شده می‌سوزند و از ترکیب آن‌ها انرژی حرارتی آزاد می‌گردد و این انرژی تغییر شکل داده تبدیل به حرکت و صوت و مانند آن‌ها می‌شود.

از اصل مطلب دور نشویم، اعمال و سخنانی که از ما سر می‌زند به صورت انرژی‌های گوناگون در فضای اطراف ما پراکنده می‌شوند و روی درودیوار و حتی بدن ما و زمینی که بر روی آن زندگی می‌کنیم اثر می‌گذارند اثری جاودانی و فناپذیر و برای همیشه در

پرونده جهان طبیعت بایگانی می‌شوند، زیرا فنا و نابودی - چنانکه قبلاً هم گفته‌ایم - در اینجا مفهوم ندارد بلکه دائماً تغییر شکل مطرح است. و سرانجام روزی فرا می‌رسد که این انرژی‌های ظاهراً خاموش و فراموش شده، جمع‌آوری می‌گردند، از نو جان می‌گیرند و آشکار می‌شوند و نشان می‌دهند که نابود نشده‌اند!

بنابراین مسئله تجسم اعمال را می‌توان یکی از معجزات علمی قرآن محسوب داشت و در آن روز که مسئله بقاء انرژی‌ها و تبدیل ماده به انرژی و بالعکس، مطلقاً در میان دانشمندان مطرح نبود، با صراحت در آیات و روایات عنوان گردید (رضوی، ۱۳۴۲ ش، ص ۱۱۳).

۲-۳. مخالفان تجسم اعمال

در مقابل نظریات به همراه آیات و روایاتی که گذشت، عده‌ای نیز منکر تجسم اعمال در قیامت می‌باشند و دو اشکال عمده را در تأیید نظر خویش مطرح می‌نمایند:

۱-۲-۳. عمل از جنس «عرض» است نه «جوهر» (یعنی خواص ماده را ندارد.) و دیگر اینکه عمل بعد از وجودش محو و نابود می‌شود، لذا آثاری از سخنان و گفته‌ها و اعمال گذشت ما دیده نمی‌شود، مگر اعمالی که تغییری در بعضی از مواد موجود گذارده باشد، مثلاً سنگ و چوب و آجری را به شکل خانه‌ای درآورده که آن هم تجسم عمل نیست، بلکه دگرگونی‌های ناشی از عمل است که پاسخ این اشکال در مطالب فوق بیان شد.

۲-۲-۳. لازمه قبولی تجسم عمل پذیرش انقلاب در ماهیات است و حال آنکه انقلاب در ماهیات محال است پس در نتیجه تجسم عمل نیز محال است.

۳-۳. نقد نظر مخالفان

در پاسخ مخالفان باید گفت که اساساً انقلاب ماهیت یک پدیده محال است یعنی هرگز ماهیتی به ماهیتی دیگر تبدیل نمی‌شود و آنچه در تبدیل صورت نوعیه به صورت

نوعی دیگر مطرح است مثلاً آب بر اثر حرارت تبدیل به بخار می‌شود از سنخ انقلاب ماهیت نیست بلکه نوعی حرکت جوهری است که هیولای صور نوعی اشیاء مادی بر اثر حرکت صورت نوعی را رها می‌کند و صورت دیگر به خود می‌گیرد؛ و یا از سنخ تکامل است که مثلاً موجود مادی بر اثر حرکت جواهر کامل تر می‌شود و به مجرد می‌رسد مثل جریان نفس آدمی طبق مبنای حکمت متعالیه که از ماده به مجرد می‌رسد (صدرالدین شیرازی، بی تا ج ۸، ص ۳۶۸). تجسم عمل انسان نیز به صورت زیبا یا زشت، نه از سنخ انقلاب ماهیت عمل به صورت دیگر است و نه از سنخ حرکت تکاملی عمل، بلکه هر عمل نیک وقتی تمثّل و تجسم پیدا می‌کند به صورت خودش که زیبا و نیکو است یا نازیبا مجسم می‌شود.

۴. نظریه مختار

خداوند متعال، ستار العیوب است، چنانچه رحمان، رحیم، علیم، حکیم، کریم، غفور و... نیز هست. لذا عالم هستی را بر اساس قوانین لازم‌اش خلق نموده است و قرار نیست که به صورت غیرعادی نظام هستی را سامان ببخشد و هدایت کند. در دعای جوشن کبیر هزار صفت برای خداوند ذکر شده است، هیچ صفتی مانع تجلّی و ظهور صفت دیگر نیست؛ خداوند همان‌گونه که ستار است، «مظهر» و «منتقم» است. نه صفتی جایگزین صفت دیگر می‌گردد و نه مانع ظهور صفت دیگر می‌شود؛ مثلاً خداوند مجیب الدعوات است اما دعای هر کسی را در هر شرایط و وضعیت مستجاب نمی‌کند، بلکه استجاب دعا مقدمات، آداب، شرایط و همچنین موانعی دارد. پس صفات و اسماء الهی به گونه‌ای در راستای هم چینش شده‌اند که همدیگر را نقض نخواهند کرد.

صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: به نظر نمی‌رسد که روایت خاصی باشد که به مکتوم بودن اعمال در قیامت اشاره کند، بلکه روایات اشاره دارند که خداوند با لطف خود، اعمال زشت ما را در دنیا می‌پوشاند. در قیامت، اعمال و رفتار زشت مؤمنان را - که آن‌ها را با آب توبه و مغفرت شسته و پاک شده‌اند - می‌پوشاند. می‌فرماید: «فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون» (توبه/۱۱) به زودی در قیامت، خداوند و رسولش و مؤمنان عمل شما

را خواهند دید. همچنین می‌فرماید: «یوم نبعث فی کل امه شهیداً علیهم من انفسهم» (حاقه/۱۸) و نیز می‌فرماید: «یومئذ تعرضون لا تخفی منکم خافیه» در آن روز همگی به پیشگاه خدا عرضه می‌شوید و چیزی از کارهای شما مخفی نمی‌ماند. این آیات تصریح دارند که نه تنها اعمال مخفیانه انسان‌ها، بلکه صفات، روحیات، خلیقات و نیت‌ها همه برملا می‌گردد و این حادثه عظیم است. آری قیامت ظرف ظهور حقیقت است و آن روز، روز رسوایی بزرگ بدکاران و سربلندی بی‌نظیر مؤمنان است و مؤمنان در آن روز با غفران الهی - که همان پوشیدن رفتار ناشایست ایشان است - روبه‌رو می‌شوند؛ اما این امر ممکن نیست، مگر اینکه مؤمنان با کردار شایسته و توبه، زمینه را مهیا کرده باشند. آری آنجا عرضه ظهور و بروز تمام اسرار مکتوم بندگان است؛ بلکه در قیامت موقوف‌ها و مقاماتی است که نه نیاز به سؤال دارد و نه جدال و گفت‌وگو، تنها وضع حال حکایت از همه چیز می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۴۵۵). آن کسی که حقیقت و باطنش رو به سوی حق دارد، در پناه حق است و حق، او را می‌پوشاند و از هر گزندی آسوده است و آن کسی که حقیقت و باطنش رو به سوی باطل دارد، همه زشتی‌هایش آشکار می‌شود و این معنای آشکار شدن صفات نهانی - باطن - هر فرد است.

استاد مطهری می‌نویسد: از خصوصیتی که در مورد قیامت هست - که قرآن کریم مکرر تصریح می‌کند - این مسئله است که حقایق و بواطن ظاهر می‌شوند، یعنی در دنیا چیزهایی ظاهر بود و چیزهایی مخفی، آن مخفی‌ها از نهانگاه بیرون می‌آیند و همه ظاهر می‌شوند. در یک آیه داریم: «یَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ» یعنی در روزی که آن سریره‌ها [آشکار می‌شود]. سریره به معنی باطن است. می‌گویند سریره هر کسی یعنی آن باطن باطنش؛ و از آن جهت به باطن سریره می‌گویند که سرّی و نهان و پنهان است. یَوْمَ تُبَلَى السَّرَائِرُ؛ نه تنها سرائر انسان آشکار می‌شود بلکه آن جهان جهانی است که حقایق عالم در آن جهان به‌طور کلی مشهود است؛ انسان، هم بواطن و سرائر خودش را مشاهده می‌کند هم سرائر عالم را. لهذا بعد فرمود: «یَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ» از شما هم چیزی پنهان نمی‌ماند. در آیه‌ای می‌خوانیم: «یَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ» (عین مضمون این آیه است) روزی که زمین تبدیل می‌شود به غیر زمین،

یعنی همین زمین تبدیل می‌شود به غیر زمین یعنی چیز دیگری، باطن این زمین آشکار می‌شود [و همین‌طور آسمان‌ها] و همه ظاهر و هویدا و عرضه می‌شوند برای ذات پروردگار یگانه (مطهری، بی‌نا، ج ۲۷، ص ۶۴۹).

با استناد به مطالب فوق نظر ما در این مقاله در باب تجسم اعمال، مطابق با نظر موافقین می‌باشد.

۵. رابطه ستاریت خداوند و آشکار شدن اعمال

خداوند پوشنده گناهان و عیب‌های افراد است، زیرا او غفور و رحیم است و رحمت را بر خویش واجب کرده است. (انعام/۱۲) و این صفتی است از صفات الهی؛ حال باید دانست مراد از ستارالعیوب بودن خداوند چه می‌باشد و سؤال مهم‌تر در موضوع مقاله اینکه آیا خدای ستارالعیوب در روز قیامت ما را در انظار همگان رسوا می‌کند یا فقط برای خودمان آشکار می‌سازد؟ در توضیح و تبیین باید توجه داشت که ستاریت دو نوع است، تکوینی و تشریحی. ستاریت تشریحی خداوند به این معنا است که خداوند بشر را ملزم به پوشیدن عیوب دیگران نموده و افشای آن را امری قبیح و مذموم شمرده است اما ستاریت تکوینی این است که خداوند انسان را چنان آفریده است که بسیاری از عیب‌هایش پنهان است مثلاً صفات درون انسان مانند حسادت، کبر و خودخواهی و انحرافات اعتقادی پنهان است. اگر انسان طوری آفریده می‌شد که بشود اخلاق و اعتقادات او را از چهره‌اش فهمید زندگی برای او بسیار مشکل می‌شد، اما خداوند به خاطر ستاریتی که دارد انسان را بدین گونه آفرید که عیب‌هایش از دیگران مخفی است. حال محل اختلاف در این قسم است که آیا خداوند ستارالعیوب در دنیا، در آخرت کاشف العیوب خواهد بود؟

۱-۵. مخالفان اعمال ستاریت خداوند در آخرت

عده‌ای از مفسرین بر این عقیده‌اند که در روز قیامت که تُبْلَى السَّرَائِرُ نام‌گذاری شده تمامی اسرار نهانی آدمیان بر همگان مکشوف خواهد شد تا در برابر همه خلایق شرمسار و سرافکنده شوند که گاه درد و رنج این عذاب از آتش دوزخ دردناک‌تر است.

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۶، ص ۳۶) این گروه برای اثبات مدعای خود به آیاتی از قرآن تمسک می‌جویند که به اختصار بیان می‌کنیم:

الف) در روز قیامت «يُعْرَفُونَ بِسِيمَاهُمْ» (اعراف/۴۸) که از چهره‌ها، افراد شناخته می‌شوند پس زشت چهرگان و زیبارویان در انتظار عموم قرار خواهند گرفت و به تعبیری دقیق‌تر سرائر آن‌ها در چهره‌هایشان متبلور می‌شود و در منظر خلاق قرار می‌گیرند.

ب) دیگر آیه‌ای را که دلیل می‌آورند بر اینکه همه همدیگر را می‌بینند ۵۵ صفات است: «فَاطَّلَعَ قَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ» در همین بین به دوزخ می‌نگرد و رفیق خود را در وسط جهنم می‌بیند.

ج) مؤید دیگر بر نظریه فوق، آیه ۴۱ از سوره الرحمن می‌باشد: «يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ» مجرمین از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

د) آخرین مؤید آن‌ها (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۳، ص ۲) استفاده از آیه «يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ» (قلم/۴۲) می‌باشد که معتقدند کنایه است از روزی که کشف شود اصل همه کارها و نمایان گردد حقیقت آن به حیثیتی که همه بر اسرار هم واقف گردند و احوال یکدیگر را بفهمند.

۲-۵. نقد دلایل مخالفان

آنچه نقل شد خلاصه‌ای از سه دلیل بر نظریه قایلین به ظهور سرائر برای تمامی انسان‌ها بود که برای رد این دلایل ابتدا مقدمه‌ای طرح، سپس نظریه مختار تبیین می‌شود. اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در تعیین معنای واژه‌ها و مفاد جمله‌ها، یکی از اصول عقلایی محاوره است که در همه زبان‌ها به آن ترتیب اثر داده می‌شود هم عرف و عقلا در فهم معنای عبارت‌ها و ظهور کلام و هم دانشمندان اسلامی در فهم ظواهر متون دینی به آن توجه کرده و همواره از آن استفاده می‌کنند. سیاق، هرگونه مطلب و دلیلی را گویند که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، پیوند خورده است، خواه از مقوله الفاظ باشد، مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند - و خواه قرینه حالی باشد، مانند اوضاع و احوال و شرایطی که سخن

در آن اوضاع و احوال مطرح شده است (صدر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳). پس توجه به سیاق آیات و بررسی آیات قبل و بعد آن در تفسیر یک آیه سهم به سزایی را خواهد داشت.

پاسخ اول) استناد به آیه ۴۸ سوره اعراف نه تنها مؤیدی بر نظریه قایلین نمی‌باشد بلکه با توجه به آیات ما قبل در همین سوره نظریه مختار تأیید می‌شود بدین نحو که در آیه قبل وقتی سخن از اصحاب اعراف می‌شود آن‌ها بر روی بلندی، مشرف به بهشت و دوزخ‌اند؛ بر اعراف مردانی قرار دارند که هر یک از جهنمیان و دوزخیان را در جایگاه خود می‌بینند و از نشانه‌هایشان آن‌ها را می‌شناسند. «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ» (اعراف/۴۶) و با فاصله یک آیه گروه عموم را با ویژگی محدودتر بیان می‌نماید: «وَوَنَادَى أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ» (اعراف/۴۸) اصحاب اعراف مردمی را که به سیمایشان می‌شناسند ندا دهند و گویند جماعت شما و آن تکبری که می‌کردید کاری برای شما نساخت.

آیه ۴۸ - برخلاف آیه ۴۶ - بیان می‌دارد که این افراد قابلیت شناخت همگان را ندارند؛ حال باید بررسی نمود که اصحاب اعراف کیانند.

از مجموع آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که اعراف گذرگاه سخت و صعب‌العبوری بر سر راه بهشت سعادت جاویدان است؛ و در آنجا دو گروه وجود دارند، ضعیفان و آلودگانی که در رحمت‌اند و پیشوایان بزرگی که در همه حال یار و یاور ضعیفانند: «الاعراف کتبان بین الجنة و النار و الرجال الأئمة یقفون علی الاعراف مع شیعتهم و قد سبق المؤمنون الی الجنة بلا حساب» اعراف، تپه‌ای است میان بهشت و دوزخ و امامان آن مردانی هستند که بر اعراف در کنار شیعیان (گنہکارشان) قرار می‌گیرند، درحالی که مؤمنان (خالص) بدون نیاز به حساب در بهشت جای گرفته‌اند (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۳۲). پس آن‌هایی را که جمیع خلائق را می‌شناسند معصومین (عَلَيْهِمُ السَّلَام) هستند که در مبحث گواهان اعمال به تفصیل بحث شده است ولی عموم مردم قابلیت شناخت همگان را ندارند.

پاسخ دوم) در رد دلیل دوم باید گفت که در آیات قبل از آیه ۵۵ صفات دوستان باصفا در بهشت به گفتگو مشغول‌اند، ناگهان بعضی از آن‌ها به فکر گذشته خود و دوستان دنیا می‌افتند، همان دوستانی که راه خود را جدا کردند و جای آن‌ها در جمع بهشتیان خالی است، می‌خواهند بدانند سرنوشت آن‌ها به کجا رسید.

می‌گوید: من دوست و هم‌نشینی در دنیا داشتم! «قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ» او پیوسته به من می‌گفت: آیا به‌راستی تو این سخن را باور کرده‌ای و تصدیق می‌کنی؟ «يَقُولُ أَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ» که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم (بار دیگر) زنده می‌شویم و به پای حساب و کتاب می‌آئیم و در برابر اعمالمان مجازات و کیفر خواهیم شد من که این سخنان را باور ندارم؟ «أ إِذَا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا وَ عِظَامًا أَ إِنَّا لَمَدِينُونَ» اینجا است که او نیز به جستجو برمی‌خیزد و نگاهی به سوی دوزخ می‌افکند ناگهان دوست خود را در وسط جهنم می‌بیند! «فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ» با دقت در فاعل «رأى» نتیجه می‌گیریم آیه مورد نظر اشاره‌ای به اینکه فرد بهشتی همگان را می‌بیند نمی‌نماید بلکه بیانگر این است که آن فرد، فقط کسی را می‌بیند که در صدد گمراهی او بود.

پاسخ سوم) در نقد آخرین دلیل قایلین به ظهور سرایر برای تمامی انسان‌ها، باید به این نکته توجه داشت که در همان آیه وقتی می‌فرماید: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ» (الرحمن/۴۱) بلافاصله می‌فرماید: آنگاه آن‌ها را با موهای پیش سر و پاهایشان می‌گیرند و به دوزخ می‌افکنند. «فَيُوْخِذُ بِالنَّوَاصِي وَ الْأَقْدَامِ» (الرحمن/۴۱) پس با توجه صدر و ذیل آیه، مجرمین برای آخذان نواصی که مأموران الهی هستند شناخته شده‌اند نه برای همه خلایق!

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از مطالب گفته شده به این جمع‌بندی می‌رسیم که شکی نیست در آن عالم با توجه به آیه «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ»، سرایر انسان برملا می‌شود، نه تنها سرایر انسان آشکار می‌گردد بلکه حقایق عالم در آن جهان به‌طور کلی مشهود است؛ و انسان، بواطن و سرایر خودش و

نیز سرائر عالم را مشاهده می‌کند. انسان ذات زمین را می‌فهمد و همه زمین برای صاحب هستی آشکار می‌شود ولی سرائر انسان برای خودش و برای تمام کسانی که به آنها مربوط است آشکار می‌شود، یعنی همه کسانی که به آنها خوبی کرده و یا از آنها خوبی گرفته و یا برای تمامی کسانی که از آنها بدی دیده و یا به آنها بدی کرده است مکشوف خواهد بود نه برای همه مردم چه مربوط و چه نامربوط! لذا به این نتیجه رسیدیم که برای شاهدان و گواهان اعمال، کشف جدیدی در قیامت صورت نمی‌گیرد تا به واسطه آن کشف جدید، انسان نزد افراد غیر مرتبط به اعمال خویش، رسوا شود بلکه آنها در این دنیا نیز نظاره‌گر اعمال ما هستند؛ و ثابت نمودیم که اعمال آدمی در آن جهان مجسم و به استناد به ستاریت الهی، خداوند انسان را نزد افراد غیر مرتبط به اعمال آدمی، مفتضح نمی‌نماید هر چند که در باب تجسم اعمال جزء موافقان به شمار می‌آییم؛ یعنی معتقدیم که بر اساس آیات الهی باطن زمین و آسمان‌ها ظاهر و آشکار می‌گردند و برای ذات پروردگار یگانه عرضه می‌شوند.

پی نوشت‌ها:

۱. مالک یوم الدین
۲. «فَبَصَّرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدًا»
۳. حدس ، توجّه ، اراده ، اختیار ، ادبار و اقبال ، شوق و تنفر ، حبّ و بغض و شهوت و غضب ... از آثار و افعال روح میباشند
۴. خدای منان در ۷۲ آیه از آیات قرآن خود را «غفور» معرفی می‌فرماید.
۵. تجسم عمل یا تبدیل نیرو به ماده، محمد امین رضوی، تهران: نشر آفتاب.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

حسینی تهرانی، سید محمد حسین. (۱۳۸۱). *مادّ شناسی*. تهران: نور ملکوت قرآن.

- حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳ ش). *تفسیر ائنا عشری*. تهران: انتشارات میقات.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت: دارالعلم.
- رضوی، محمد امین. (۱۳۴۲ ش). *تجسم عمل یا تبدل نیرو به ماده*. تهران: آفتاب.
- سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۸۳ ش). *منشور جاوید*. قم: مؤسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق.
- صدر، سید محمد باقر. (۱۳۸۴ ش). *دروس فی علم الاصول: الحلقة الاولى و الثانية*. قم: نصاب.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰). *عروشیه*. ترجمه: غلامحسین آهنی. تهران: مولی.
- _____ . (۱۳۹۰ ش). *سه اصل*. بنیاد تهران: حکمت اسلامی صدرا.
- _____ . (بی تا). *اسفار*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ ق). *کتاب العین*. قم: هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷ ش). *تفسیر قمی*. قم: دار الکتب.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). *بحار الانوار*. بیروت: الوفاء.
- مدنی، سید جلال. (۱۳۸۸). *آیین دادرسی کیفری ۱ و ۲*. تهران: پایدار.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (بی تا). *مجموعه آثار*. تهران: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ ش). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

موسوی خمینی، روح الله. (۱۳۸۹ ش). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۲). جواهر الکلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی